برق نیست، نترسید! با دود پیام بدین!

راه راه ۳۱۷

محدثه رضائیان

راهنمای بقا در قطعی‌های بی‌پایان برق

زهرا رضایی

اگر شما هم هر روز چند ساعت جهان‌تان در ظلمت و تاریکی فرو می‌رود و به زندگی انسان‌های نخستین بازمی‌گردید، این متن را تا انتها بخوانید.

۱. حفظ کلیه یا حفظ آبرو؟ مسئله این است!

از خوردن و نوشیدن طی روز، خصوصاً ساعاتی که احتمال قطعی برق می‌رود، جداً خودداری نمایید. در این شرایط، کلیه شما مانند کویر لوت می‌شود و مشکل رفع می‌گردد.

اگر کلیه شما سر ناسازگاری گذاشت، با وی از راه مذاکره وارد شوید و سعی کنید آن را مجاب کنید که تا زمان وصل شدن برق آرام بگیرد. اگر حرف حالی‌اش نشد و زیر میز مذاکره زد، یک بیسکویت ساقه‌طلایی بخورید تا بفهمد رئیس اینجا کیست!

۲. مرگ و زندگی

اینستاگرام‌گردی‌تان بدون برق مختل شده و اینستاگرام‌تان خشکیده؟!

سعی کنید شارژ موبایل‌تان را مدیریت کنید تا در زمان بی‌برقی، که همه به انسان‌های نخستین تبدیل می‌شوند، با آخرین ذرات شارژ مثل مسافر زمان، میان باقی غارنشینان بدرخشید.

۳. تبدیل تهدید به فرصت

با آن خواهرشوهرهایی که دارید، باید چندین جلسه مشاوره بروید و هزینه هر جلسه تراپیست، خداتومَن است! پس بیایید از تاریکی استفاده بهینه بکنید. هر بار که برق می‌رود، حرکات یوگا را انجام داده و با خود تکرار کنید: «من آرووومم...». با این کار هم آرام می‌شوید، هم می‌توانید به‌راحتی اجساد را پنهان کنید.

۴. رژیم را چنج کنید

رژیم‌تان را از «همه‌چیزخواری» به «هیچی‌خواری» چنج کنید.

به هر حال، هر چیزی که بخرید در یخچالِ خاموش فاسد می‌شود. پس چه بهتر که هیچ‌چیز نخرید. به این شکل، هم در پول صرفه‌جویی کرده‌اید، هم در اضافه کردن چربی به شکم.

۵. اوقات فراغت خاص خودتان را داشته باشید

با تاریک شدن شهر، همسایه‌ها را بترسانید. اگر دیگران به عقل شما شک کرده‌اند، اشکالی ندارد. سعی کنید با فکر کردن به تصویر هر روز صبح‌تان در آینه، خودتان را بترسانید، اگر اثر نکرد، به وعده‌های دولت فکر کنید. (پ.ن: اگر مشکل قلبی دارید، از انجام این مورد به‌شدت پرهیز کنید)

۶. از سرخ‌پوستان یاد بگیرید

وقتی برق می‌رود به عصر حجر و ارسال پیام با دود برمی‌گردیم. موبایل تبدیل به یک تکه پلاستیک گران‌قیمت بی‌خاصیت می‌شود و آب آپارتمان فقط در رویاها جاری می‌شود. در این تاریکی مطلق، فقط گاز است و آتش.

با استفاده از گاز آتشی روشن کرده و با دود علامت بفرستید. یک بار دود کنید یعنی «همسایه عزیز، شمع داری؟» و دو بار دود یعنی «نه عزیزم، من خودم دارم با دست راه رو پیدا می‌کنم»

و اگر گاز هم نبود از شماره ۷ استفاده کنید.

۷. چند حیوان را به سرپرستی بگیرید

هر بار که می‌خوابید و برق می‌رود، عرق از همه‌جا بیرون می‌زند و مانند سیل شما را بیدار می‌کند. چند پشه را به عنوان حیوان خانگی خود به سرپرستی بگیرید هم از حملات دوستانش در امانید هم وقتی که خود را مانند کباب روی تخت پهن کرده و با باد ملایمِ ناشی از بال زدن حیوان خانگی‌تان در خنکی می‌خوابید به این فکر بکر احسنت می‌گویید.

حتی می‌توانید از مگس هم به عنوان مگس نامه‌بَر برای ارتباط با بقیه استفاده کنید.

۸. کارهای اداری فقط اول وقت

اگر کار اداری دارید چهار صبح و بعد از بیدارشدن کله‌پزها باید بروید و به‌عنوان اولین نفر، جلوی دَر آن اداره زنبیل بگذارید چرا که تحقیقات نگارنده ثابت کرده ساعت شش صبح، برق هیچ اداره‌ای قطع نمی‌شود.

از آن‌جا که اینجانب سرگرم نوشتن راهکارهای مختلف بودم، کمی دیر رسیده و نفر سوم صف اداره شده‌ام! تا راهکارهای بهتر، خداحافظ.

گوی خیطوط ۲

سوده پاکاری

با ما دکتر شو

اکثر سریال‌های ایرانی یک سکانس بیمارستانی دارد که پرستار فریاد می‌زند: «آقای دکتر، بیمار رفت!» و صدای دکتر که می‌گوید: «شوک رو بذار روی ۲۰۰ ژول!»

تازه اگر ۲۰۰ ژول جواب ندهد، با هر جیغ پرستار، دکتر می‌گوید:«بالاتر، ۳۰۰ ژول»!

خلاصه که ژول روی ژول می‌رود تا بیمار برگردد. فقط خدا کند به سکانس «متاسفم! ما تمام تلاش‌مون رو کردیم» نرسد.

حالا اگر این بیمار در بیمارستان نرفت! و مثلا در خانه یا اداره رفت! تا دکتر بیاید و بگوید:« ۲۰۰ ژول!» بیمار به مرحله مباحثه با نکیر و منکر و احوال‌پرسی با ملک‌الموت می‌رسد!

اما از آنجایی که ایرانی جماعت باخت نمی‌دهد، اینجا هم برگ برنده را رو کرده و یک دستگاه «الکتروشوک» خودکار به بازار آورده است. این دستگاه را چند کشور دیگر هم دارند اما مدل ایرانی‌اش یک سر تا سبیل از بقیه بالاتر است.

ساده‌اش را بگویم؛ اگر زبانم لال، کسی از اطرافیان دچار ایست قلبی شد به جای به کار بردن مهارت‌هایی از نوع فهیمه در سریال پایتخت یا جفت‌وجور کردن لب و دهان برای تنفس دهان‌به‌دهان و شکستن دنده‌های مریض برای احیای قلبی می‌توان از این دستگاه استفاده کرد.

فقط کافیست به صدای خانمی که از دستگاه بیرون می‌آید، گوش دهید. شما با ژست دکترگونه و بدون گفتن ۲۰۰ ژول! دستگاه را به بیمار وصل می‌کنید تا خودش تشخیص بدهد آن قلب بی‌زبان و از کارافتاده به چند ژول نیاز دارد.

این می‌شود با یک تیر دو نشان زدن؛ هم بیمار را از رویارویی تن‌به‌تن با ملک‌الموت نجات می‌دهید، هم یه رزومه پزشکی برای خودتان دست و پا می‌کنید. شاید در جلسه خواستگاری هم کاربرد داشته باشد.

شاید هم دستگاه در آزمون استخدامی علوم پزشکی قبول شود! نه یعنی خودت همراه دستگاه قبول بشوی!

پاتوکش شاعرها

آه اگر دست دل من به تمنّا نرسد
پای خود را بدهم هدیه به کفّاش محل
سعدی / مرضیه ملکیان

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار
تا که برقت قطع شد فانوس را روشن بکن
حافظ / علی یگانه

جهد کن تا اثر خیر تو ماند باقی
مثلا بینی خود را به کسی اهدا کن
فروغی بسطامی / علی یگانه

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
عمه‌ام می‌گفت با برقی که آمد دیروقت
شهریار / علی یگانه

صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار
که برق روی خودش را دریغ می‌دارد
حافظ / مرضیه ملکیان

دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود
همچنین قصه نت بود و اراجیف ترامپ
حافظ / علی یگانه

تپه‌ها پر شده از سیل اراجیف ترامپ
مادر دهر ندارد پسری بهتر از این
سید محمد صفایی / حافظ

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد
شاید که برق فرهاد خاموش گشته باشد
حزین لاهیجی / علی یگانه

فرندز حقیقی

هادی حمیدی

ترامپ و بن سلمان در کنفرانس خبری

ترامپ: لیدیز اند جنتلمن؛ همه دنیا آندرستند که من بن‌سلمان را خیلی دوست یعنی لاو یو.

من آمد به منطقه دوشید گاو و گوساله را و تامین کرد تورم متورم یواس را.

عیالات متحده و اسرائیل فرندز حقیقی سعودی خواهد بود تا سقوط رسمی.

مشکل ما در منطقه یمن اند پرشین هست، آنها ما را در خلیج عررررر عرعرر، وات؟ یس اوکی ع‌ر‌ب‌ی! پرس کرد ولی ما پاسخ داد خیلی هارد بزودی آنها دپرس بایَد شد.

یو دومیلیون جاب ایجاد کرد در مای کانتری و من ۱۴۲ میلیارد تسلیحات جنگی سند کرد اینجا تا شاخ خلیج باشی.

اگرچه زر مفت زیاد من زد ولی شما تشویق کنید. تنک‌یو...

بن سلمان: السلام علیکم ماچی لپ‌یکم
وولک دونالد تو دیگه کی هستی عامو
الدهنت سلف سرویص، خیلی دمت گرم
انا متعهد حافظ منافع انتم فی هذا المنطقه
من حیث‌المجموع شما هم بدوش ولی آهسته آرام نرم و ولرم.

ما که در المواجهه بالیمن کلا زاییدیم بالاغیرتا به غیرت نداشته‌مان، نفت بدبو المتعفن کثیف الاسود، را تخلیه، تجهیزات الکترونی پدافند و نیروگاه مع‌الهسته‌ای تقدیم کنید لااقل پزش را بدهیم به ایران، پوزه‌مان تراب‌مال شد جان ترامپ.

الا ای‌حال این داگ‌فادر فاقد ناموس، ویتکاف را هم برگردان به همان خراب شده، به کتفش نیست، ما اینجا معامله او در حال مذاکره خوردن مسقطی لافایده، نحن المضحکه فی‌العالم.

به ضرس قاطر، معروضم همه دنیا ضاحک به ما می‌خند، چه عقال گشادی بر فرق ما و فیها خالدون سعودی اکرام نومودی، ولی نحن به زودی در سماوات سفینه فضایی ول خواهیم نمود عند الاستطاعه...علی برکت‌الله!

به درد موزه میخوره!

نیلوفر نویدی

اسم موزه که می‌آید، همه یاد ظروف سفالی، سکه، ابزار جنگی و اینطور چیزها می‌افتند. اما آیا تا به حال فکر کرده‌اید که در زندگی هر فرد چه مقدار وسیله وجود دارد که اگر کنارهم جمع شوند، یک موزه را تشکیل می‌دهند؟ موزه‌ای که مادرها خیلی خوب کشفش می‌کنند و وسایلش را خیلی حرفه‌ای تحویل بازیافت می‌دهند. از جمله وسایل این موزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شیشه ادکلن!

یکی از عادات مرسوم ما، نگهداری شیشه‌های خالی ادکلن، پس از مصرف آخرین قطره است. در مواردی دیده شده که فرد بعد از چند سال، مجددا از آن پیسی زده تا مطمئن شود در این سال‌ها ادکلن جدیدی متولد نشده باشد. برخی خاطرات خوب زمان مصرف ادکلن را دلیل نگهداری می‌دانند. اما کاملا دروغ است چرا که دلیل اصلی آن مبلغی است که بابت خریدش پیاده شده و ادای خط به صورت نیفتاده‌ها را درآورده‌اند.

کتاب!

اگر به سراغ کتابخانه شخصی‌تان بروید،کتاب‌هایی را می‌بینید که نقش کاسه سفالی زمان هخامنشیان را بازی می‌کنند. جلد رنگ‌پریده، صفحات موریانه خورده و قیمت کتاب که برمی‌گردد به زمان مبادله کالا با کالا!

لوازم‌التحریر!

توی کمد همه، یک سری لوازم‌التحریر و دفترهایی وجود دارد که هیچوقت دل‌مان نیامده از آنها استفاده کنیم. وسایلی که همیشه نگه داشته‌ایم تا شاید روز مبادا و در یک لحظه خاص از آن استفاده کنیم. خب! اشک‌های نوستالژی روی گونه‌تان را پاک کنید و بروید از داخل کمد آنها را درآورده و به موزه اهدا کنید. چراکه عمرا در مابقی عمرتان نیز از آن استفاده‌ای کنید.

رفقا

این مورد آخری جنسش کمی با موارد قبل فرق دارد ولی به طور صددرصد تضمینی همه تجربه‌اش را دارید. رفیقی که از حیث داشتن صفات گوناگون، باید او را تحویل موزه دهید. اما متاسفانه به عنوان دوست صمیمی او را برگزیده‌اید و هم‌اکنون کنارتان نشسته است. الان می‌توانید سرتان را بالا برده، نگاهش کرده و بخندید. او نمی‌داند چرا ولی خودتان خوب می‌دانید که چرا می‌خندید!

شاخ غول

فرشته پناهی

چند سالیست پشت کنکورم
بین فامیل و دوست مشهورم

دورم از خانواده و اقوام
در قرنطینه حبس و مهجورم

می‌زنم تست پشت تست مدام
از قبولی ولیک معذورم

به گمانم که روز محشر هم
قاطی تست و جزوه محشورم

پدرم گفته می‌شوی دکتر
به اطاعت همیشه مامورم

تا دل مادرم به دست آید
هرچه گوید مطیع دستورم

نرسم گر به آرزوهاشان
لایق فحش‌های ناجورم

«پشت کنکوری» است حرفه من
شغلم اینست چون که مجبورم

سجاد گیل‌پور

بسیار سفر باید

فاطمه بوجار

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱. هزینه سفر لاکچری از کجا باید تامین شود؟

الف) دو سفر را خدا جفت و جور می‌کند یکی سفر آخرت، یکی هم سفر لاکچری!

ب) پس‌انداز کردن. هر ماه، در طول سال چندرغاز در حد سه چهار میلیارد کنار بگذارید.

ج) جیب وزرا و مردم ندارد که!

د) ریختن طرح رفاقت با باد و استفاده از پول‌های آورده او!

۲. بهترین شغل دولتی برای وزیری که تازه از سفر برگشته چیست؟

الف) وزارت گردشگری؛ به شرطی که تا قطب را هم رفته و گشته باشد.

ب) وزارت آموزش و پرورش؛ زیرا اینگونه می‌تواند خاطره سفرهایش را وارد کتاب‌های درسی بکند.

ج) وزارت دارایی؛ به خاطر اینکه هر وقت پول‌های خزانه تمام شد، از دارایی‌های شخصی‌ای که با آن به سفر رفته استفاده کنیم.

د) این سوال انحرافی‌ست زیرا او هنوز وزیر است و احتیاجی به شغل دولتی دیگری ندارد.

۳. اولین کار پس از بازگشت از یک سفر لاکچری چیست؟

الف) پست کردن عکس‌های سفر و دق دادن به جان فامیل!

ب) ارتقای شغلی با توجه به پخته‌تر شدن. چرا که شاعر هم گفته:«بسیار سفر باید تا پخته شود خامی»

ج) سفر!؟! سفر لاکچری نرفتیم. از وزیر راه بپرسید.

د) معدوم کردن صورت‌حساب‌های سفر!

کاریکاتور از: ثمین سلیمانی نژاد

گمشده

یک وجب جا که بتوان دو دقیقه با آرامش کپه مرگ‌مان را بگذاریم و استراحت کنیم، یا حداقل یک توالت که سر صبر و حوصله برویم در این خراب شده، مدت‌هاست گمشده و از آن خبری نیست.

شما را به ارواح سرگردان در بن‌گورین قسم می‌دهم، اگر یک کف‌دست جای امن و بدون مین و موشک یافتید، به اینجانبان اطلاع دهید.

ترامپ را کفن کنیم محل امن‌مان را به اهالی یمن اطلاع ندهید.

ضمن تشکر به یابنده خیلی پول و دلار جایزه داده می‌شود. داریم که می‌گیم، حتما هم می‌دیم. البته اگر کشته نشدیم.

نیازمندی‌ها

بسته ۳ گیگی یک ماهه قیمت قدیم موجود است.
تعداد محدود

به دو عدد کلیه هوشمند با فناوری هوش مصنوعی، جهت کار نکردن در ساعات قطعی برق نیازمندیم.
اهدای عضو اهدای زندگی
ستاد جمع‌آوری کلیه‌های با شعور

به تعدادی شئ تاریخی جهت پرکردن موزه نیازمندیم
جمعی از شیوخ حاشیه خلیج فارس

فروشی
یک عدد موتور برق
کاملا نو
برای دوره ریاست جمهوری یازدهم ودوازدهم بوده
تعویض با لندکروز

به تعدادی خاله، دایی، عمه و عمو جهت بازدید علمی دانش‌آموزان نیازمندیم.

ساختمان ویلایی و دلباز مناسب خانه سالمندان اجاره داده می‌شود
تهران، مهدکودک گلها

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: **طوبی عظیمی‌نژاد**
دبیر سرویس شعر: **فریبا رئیسی**
دبیر سرویس کارتون: **ثمین سلیمانی نژاد**
صفحه‌آرا: **فاطمه احمدی**

راه‌های ارتباطی
مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی
https://zil.ink/bashgahtanz